

مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک

مهدی فتاحی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۲۹

چکیده

در باره نحوه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک، رویکردهای متفاوتی در رویه قضایی وجود دارد. دلیل این ناهمگونی، وجود دو مقررۀ متفاوت در خصوص موضوع فوق است؛ هرچند که قانونگذار در سال ۱۳۷۶ به موجب تبصره ماده ۲ قانون صدور چک، تاریخ چک را به عنوان مبدأ محاسبه این خسارت پیش‌بینی کرده است اما در سال ۱۳۷۹ بر اساس ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ملاحظات دیگری درباره نحوه محاسبه و شرایط مطالبه خسارت تأخیر تأدیه مقرر نموده است. با توجه به مفاد دو ماده فوق، برخی دادگاه‌ها معیار تعیین شده در قانون صدور چک (تاریخ سررسید) را ملاک قرار داده و در مواردی که دارنده چک پس از تاریخ مندرج در چک، اقدام به مطالبه آن و اخذ گواهینامه عدم پرداخت می‌نماید، خسارت تأخیر تأدیه را از تاریخ چک محاسبه می‌کنند. در مقابل، عده‌ای تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت را معیار قرار می‌دهند. آرای نیز مشاهده شده است که ملاک محاسبه را تاریخ تقدیم دادخواست می‌دانند. در مورد چک‌های مشمول مرور زمان تجاری نیز رویه دیگری حاکم است. تقسیم‌بندی و تفکیک این رویکردها و مبانی استدلالی آنها در این مقاله مورد مطالعه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: خسارت تأخیر تأدیه چک، مطالبه، تاریخ چک، رویه قضایی، گواهی عدم پرداخت چک.

* دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران و پژوهشگر پژوهشگاه قوه قضائیه.

مقدمه

ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، درباره خسارت تأخیر تأدیه آورده است: «در دعوایی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر این که طرفین به نحوه دیگری مصالحه نمایند».

همچنین قانونگذار در ماده واحده الحاقی یک تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک اظهار می‌دارد: «دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و بطور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید».^۱ بر اساس استفساریه مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام،^۲ مقرر گردید که منظور از عبارت «کلیه خسارات و هزینه‌های لازم از قبیل هزینه‌های دادرسی ...» مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه‌های قانونی است.^۳ حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا تبصره الحاقی ماده ۲ قانون صدور چک،

۱- مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲- بر اساس نظر تفسیری شماره ۴۵۷۵ به تاریخ ۱۳۷۲/۳/۳ شورای نگهبان، «تفسیر مواد قانونی مصوب مجمع در محدوده تبیین مراد با مجمع است. اما اگر مجمع در مقام توسعه و تضييق مصوبه خود باشد مستقلاً نمی‌تواند اقدام نماید».

۳- قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

مخصّص ماده ۵۲۲ قانون پیش گفته است یا تنها مصداقی از قاعده مندرج در آن می باشد؟ و این که چه نسبتی میان دو قانون فوق از حیث مطالبه خسارت تأخیر تأدیه چک وجود دارد؟ آیا در فرضی که دارنده چک در زمانی پس از تاریخ چک به بانک مراجعه و گواهی عدم پرداخت آن را اخذ نماید، خسارت تأخیر تأدیه از چه زمانی محاسبه می گردد؟ از زمان تاریخ چک یا اخذ گواهی عدم پرداخت آن؟

تحلیل و بررسی پرسش های فوق و تلاش در جهت پاسخ به آنها، با عطف توجه به رویه قضایی به عنوان حقوق زنده، موضوع این نوشتار است.

(۱) تاریخ سررسید چک

در صورتی که فاصله زمانی زیادی میان تاریخ مندرج در چک و تاریخ گواهی عدم پرداخت آن وجود داشته باشد، خاصه در مواردی که وجه چک مبلغ قابل توجهی است، اختلاف طرفین در نحوه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه حادث شده و موضوع، محتاج بررسی حقوقی است. دارنده با استناد به قانون صدور چک و تبصره الحاقی آن ادعا دارد که مستحق دریافت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ چک است و خوانده به علت عدم مراجعه دارنده در زمان مندرج در چک، ادعای عدم استحقاق مدعی را مطرح می نماید.

با وجود اظهار نظر برخی از حقوقدان ها مبنی بر این که «محاسبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه،^۱ در مورد چک و دیگر دیونی که سررسید مشخص دارند، از این جهت قابل انتقاد است که در این گونه دیون، بدهکار باید در سررسید، دین خود را پرداخت کند و الزاماً نیازی به مطالبه طلبکار نیست» (محمدی، ۱۳۹۱، ص ۴۳)، رویه جاری محاکم نیز با توجه به نص قانون، بر این امر مستقر است که در این موارد، دارنده مستحق خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مندرج در چک است نه از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت؛ بنابر این دیدگاه، ماده ۲ قانون صدور چک، مخصّص ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص مطالبه خسارت تأخیر تأدیه چک است و تاریخ مطالبه مندرج در قانون اخیر، ملاک محاسبه نیست و خسارت مذکور از تاریخ چک محاسبه می گردد. گذشته از این که این موضوع، مورد پذیرش اکثر حقوقدان ها قرار گرفته است (صقری، ۱۳۹۴، ص ۶۲۰)، اعتبار و

۱- مقصود نویسنده با توجه به سیاق عبارت پیش از آن، تاریخ سررسید است.

جایگاه حقوقی مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، در نظام حقوقی کشور ما نیز مؤید آن است که تغییر در این مصوبات در صلاحیت نهاد فوق بوده و بنابراین قانون آیین دادرسی مدنی، با وجود تأخر زمانی نسبت به قانون صدور چک، نمی‌تواند درباره چک متضمن حکمی باشد. شورای نگهبان به موجب نظر تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ اعلام نموده است: «هیچ یک از مراجع قانونگذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود مجلس پس از گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد». در راستای تأیید رویکرد یاد شده و به عنوان نمونه می‌توان به آرای زیر اشاره کرد:

الف) در رأی شماره ۰۰۲۰۰ مورخ ۹۰/۳/۲۱ صادره از شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی تهران، دادگاه بدوی با استناد به ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، دارنده چک را مستحق دریافت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید ندانسته و اخذ گواهی عدم پرداخت چک را در تاریخی بعد از تاریخ چک، اقدام علیه خود قلمداد کرده است. با این حال، شعبه ۴۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با نقض رأی بدوی، حکم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک تا روز پرداخت صادر کرده است (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۲، الف، صص ۱۴۵-۱۴۶، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۴۳۰۰۶۵۸ مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۰). مستند رأی دادگاه (هرچند در رأی صادره مورد اشاره واقع نشده)، ماده ۲ قانون صدور چک است.

ب) در دعوی دیگری، شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران طی دادنامه شماره ۰۱۲۵۱ مورخ ۹۰/۱۲/۲۰، با استناد به ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، دارنده را تنها از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت وجه چک، محق به دریافت خسارت تأخیر تأدیه دانسته است؛ اما شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۳۰۱۱۳۳ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۳، رأی یاد شده را با «تصحیح مبنای محاسبه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت به تاریخ صدور چک» تأیید نموده است (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ج، صص ۱۲۳-۱۲۴).

ج) شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، صراحتاً رأی به استقلال موضوع خسارت تأخیر تأدیه چک از سایر دیون داده و در این باره قائل به صلاحیت انحصاری ماده ۲ قانون صدور چک شده است (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ج، صص ۱۸۶-۱۸۷، دادنامه شماره ۱۲۳۵-۱۰۲۲۳۱۰۲۲۳۱۰۹۹۷۰۹۲۶ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۶). به موجب رأی صادره آمده است: «... نظر به اینکه مقررات ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، منصرف از موضوع خواسته تجدیدنظرخواه (مطالبه خسارت تأخیر تأدیه سه فقره چک) می‌باشد و موضوع مطالبه خسارت تأخیر تأدیه مربوط به چک شامل تبصره الحاقی مجمع تشخیص مصلحت نظام به ماده ۲ قانون چک و استفساریه تبصره مزبور می‌باشد... رأی شماره ۵۷۹ مورخ ۹۲/۷/۹ صادره از شعبه ۸۴ دادگاه عمومی تهران مبنی بر رد دعوا به علت عدم مطالبه چک طی اظهارنامه و ... به استناد ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. نقض می‌گردد» (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ج، صص ۱۸۶-۱۸۷، دادنامه شماره ۱۲۳۵-۱۰۲۲۳۱۰۹۹۷۰۹۲۶ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۶).

د) در رأی دیگری، شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با نقض دادنامه‌ای به شماره ۱۶۵ مورخ ۹۲/۳/۲۱ صادره از شعبه ۲۱۰ دادگاه عمومی تهران که مشعر بر تعیین تاریخ تقدیم دادخواست به عنوان مبدأ خسارت تأخیر تأدیه چک بوده است اعلام می‌نماید: «... لیکن مشاهده می‌شود دادگاه محترم در موارد مطالبه وجوه چک‌ها، خسارت تأخیر تأدیه را از زمان تقدیم دادخواست محاسبه کرده است. به این قسمت از رأی، تجدیدنظرخواه اعتراض کرده است که مبنی بر اشتباه می‌باشد، به لحاظ اینکه بر اساس قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و نظریه مجمع در خصوص محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم، محاسبه تأخیر تأدیه چک از تاریخ صدور چک تا زمان وصول می‌باشد. با اصلاح این بخش از رأی به اینکه خسارت تأخیر تأدیه از زمان صدور چک می‌باشد ... دادنامه بدوی را تأیید می‌نماید» (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ث، صص ۴۵۳-۴۵۴، دادنامه شماره ۱۰۶۹۴-۱۰۲۲۳۱۰۹۹۷۰۹۲۶ مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰).

مصادیق فوق که به عنوان نمونه‌هایی از رویه دادگاه‌ها آمده است، در آرای مراجع قضایی مختلف اعم از دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر تکرار شده و جهت رعایت اختصار، از ذکر همه آنها خودداری به عمل است. همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۱/۵۱۷۶ مورخ ۱۳۸۶/۸/۷ اعلام نموده است که «خسارت تأخیر تأدیه در مورد چک، مطابق مقررات اصلاحی قانون چک توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، از تاریخ

مندرج در چک... تا زمان صدور حکم مورد رأی قرار می‌گیرد» (شهری، ۱۳۸۸، ص ۶۱۶).
در ادامه، رویکردهای اتخاذ شده دیگری که منطبق با دیدگاه فوق نیست مورد واکاوی
و مذاقه قرار خواهد گرفت.

۲) تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت چک

این دیدگاه معتقد است که در فرض مورد بحث، یعنی مواردی که گواهی عدم پرداخت
چک در تاریخی مؤخر بر تاریخ چک اخذ می‌گردد، تاریخ چک ملاک محاسبه خسارت
تأخیر تأدیه نبوده و این خسارت از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت محاسبه می‌گردد؛ البته
این رویکرد با وجود اعتقاد به مطلب پیش گفته، در مبانی استدلالی به شاخه‌های فرعی
تقسیم می‌گردد.

این دیدگاه در میان حقوقدانان نیز طرفدارانی دارد. یکی از این نویسندگان با اشاره به
اینکه پاراگراف ۱ ماده ۷۰ کنوانسیون آنسیترال، تاریخ ارائه را مبدأ خسارت قرار داده و
کنوانسیون ژنو راجع به چک در ماده ۴۵ به همین معنا تصریح نموده اما در ماده ۴۸
کنوانسیون ژنو راجع به برات و سفته تاریخ سررسید به عنوان مبدأ محاسبه تعیین شده
است (کابانی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱)، با اشاره به ماده ۳۰۴ قانون تجارت، اعتقاد دارند که با توجه به
اینکه در اسناد تجاری، تحقق ادای تکلیف پرداخت مستلزم مطالبه است، «ملاک قرار
دادن تاریخ مطالبه عادلانه‌تر به نظر می‌رسد» (صقری، ۱۳۹۴، ص ۱۹۲) و برای جمع قانون
آیین دادرسی مدنی و قانون چک در مورد خسارت تأخیر تأدیه، تبصره الحاقی قانون صدور
چک، که تاریخ سررسید را ملاک قرار داده را به عنوان «حکم ناظر بر مورد اغلب» «که
اشخاص چک را فوراً به بانک ارائه می‌دهند» می‌داند (صقری، ۱۳۹۴، ص ۱۹۲)؛ بنابراین، اگر
دارنده چک را در زمانی پس از تاریخ سررسید به بانک ارائه نماید، خسارت تأخیر تأدیه از
این زمان محاسبه می‌گردد.

۲-۱) قاعده اقدام

قاعده فقهی یا حقوقی اقدام، در دو معنا بکار می‌رود؛ یکی موجب ضمان و دیگری مسقط

۱- ماده ۳۰۴ ق.ت: «خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات که بواسطه عدم تأدیه اعتراض شده است از روز اعتراض
و خسارت تأخیر تأدیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوی محسوب می‌شود».

ضمان (پوراسماعیلی، ۱۳۹۲، ص ۱۵). موجب ضمان بودن، در معاملات معوض فاسد مطرح می‌شود آنجا که غیر مالک علیه مالک اقدام می‌کند؛ ولی مسقط ضمان بودن، جایی است که مالک علیه خود اقدام می‌کند و مراد از قاعده اقدام در این تحقیق، مفهوم دوم یعنی مسقط ضمان و مسؤولیت بودن آن است.

حال دارنده چکی که در زمانی پس از تاریخ سررسید به بانک مراجعه و وجه چک را مطالبه کرده و در این تاریخ گواهی عدم پرداخت اخذ نموده است آیا مشمول قاعده اقدام خواهد شد و آیا در این صورت، مسؤولیتی برای صادرکننده چک وجود ندارد؟

برخی دادگاه‌ها با استناد به قاعده اقدام، اعتقاد دارند که در فرض فوق با توجه به این که دارنده چک، با علم به اینکه می‌توانست در تاریخ سررسید به بانک مراجعه و وجه آن را مطالبه کند لکن چنین نکرده و علیه خود اقدام نموده است و در نتیجه، مسؤولیت و ضمان صادرکننده در خصوص پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از بین می‌رود.

دو پیش فرض در استدلال فوق وجود دارد که جهت ایضاح موضوع، شایسته طرح و بررسی است. اولین پیش فرض آن است که صادرکننده چک، از تاریخ سررسید مسؤول پرداخت خسارت تأخیر تأدیه است (تبصره ماده ۲ ق.ص.چ) و مبنای فوق از این جهت مورد اشاره قرار گرفته است که محتوای قاعده اقدام، فرع بر وجود مسؤولیت است و در جایی که مسؤولیت وجود ندارد قاعده اقدام جاری نمی‌شود؛ بنابراین، این دیدگاه اعتقاد دارد که متعهد، علی‌الاطلاق مسؤول پرداخت خسارت تأخیر از تاریخ چک است. پیش فرض دوم آن است که عدم ضمان و مسؤولیت، تا زمانی جاری است که قاعده اقدام حاکمیت دارد؛ بنابراین پس از مطالبه (اخذ گواهی عدم پرداخت) دیگر قاعده فوق جاری نیست و صادرکننده متعهد به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه وجه چک پس از مطالبه است.

الف) شعبه ۴۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران طی دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۵۰۰۴۶۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴، در مقام رسیدگی پژوهشی نسبت به دادنامه شماره ۶۴۴ مورخ ۹۲/۶/۳۱ صادره از شعبه ۱۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران، اعلام می‌نماید: «... صدور حکم به محکومیت صادرکننده چک‌های مستند دعوی به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ چک‌های صادره به نظر مخدوش است و عادلانه نخواهد بود؛ چون تجدیدنظر خوانده محترم با عدم مراجعه به بانک و اخذ گواهینامه عدم پرداخت آنها در زمان سررسید چک‌ها و تاریخ آنها، عملاً اقدام بر علیه خویش نموده و از این رهگذر،

قدر متیقن، استحقاق خواهان اصلی از زمان مراجعه به بانک و دریافت گواهینامه عدم پرداخت آنها می‌باشد...».

ب) در این دعوا، خواهان پس از قریب به ۱۰ سال پس از تاریخ صدور چک، مبادرت به مطالبه وجه چک و اخذ گواهی عدم پرداخت می‌نماید. شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران طی دادنامه شماره ۹۷۰ - ۹۱/۱۰/۱۲، این‌گونه انشای رأی می‌کند: «... اقدام خواهان به برگشت آنها (دو فقره چک مستند دعوا)، قریب به ۱۰ سال پس از تاریخ صدور، مشمول قاعده اقدام بوده و موجبی برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک در سال ۱۳۸۰ تا تاریخ برگشت آن در سال ۱۳۹۰ وجود ندارد؛ مضافاً آنکه بر فرض پذیرش مرور زمان، چک به عنوان سند تجاری قابل استناد نبوده بلکه به عنوان سند عادی قابلیت استناد دارد؛ بنابه مراتب، دعوی خواهان ناظر به اصل خواسته و هزینه دادرسی مقرون به واقع تشخیص...» اما حکم بر بطلان دعوی مطالبه خسارت تأخیر تأدیه صادر می‌گردد (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ت، ص ۲۵۹). متعاقب تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه از آن قسمت از دادنامه، که مشعر بر صدور حکم بر بطلان دعوای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه بود، شعبه ۴۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه فوق را تأیید و استوار می‌نماید (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ت، ص ۲۶۰، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۵۰۰۰۳۵۳ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹).

۲-۲) وحدت ثبوتی و تفاوت اثباتی

نظریه فوق اعتقاد دارد که در تمام دیون از جمله تعهد پرداخت وجه چک، ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م حاکمیت دارد؛ با این توضیح که زمان احتساب خسارت تأخیر تأدیه در چک نیز مانند سایر دیون، از زمان مطالبه (یعنی اخذ گواهی عدم پرداخت) آغاز می‌شود؛ بنابر این رویکرد حقوقی، میان ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م و تبصره الحاقی به ماده ۲ ق.ص.ج. اختلاف و تعارضی وجود ندارد و در تمام تعهداتی که موضوع آن پرداخت وجه است، محاسبه خسارت تأخیر تأدیه از هنگام مطالبه دین شروع می‌شود. النهایه در خصوص چک، حسب ماده ۲ قانون صدور چک، مطالبه از طریق مراجعه به بانک و اخذ گواهی عدم پرداخت اثبات می‌گردد؛ نتیجه آن که در خسارت تأخیر تأدیه، میان چک و سایر دیون از حیث ثبوتی تفاوتی وجود ندارد و صرفاً در مرحله اثباتی (مطالبه) متفاوت‌اند.

الف) شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران طی دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۷۴۰

مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۶، در رسیدگی پژوهشی به دادنامه شماره ۹۱۰۲۵۶۴ - ۹۱/۱۲/۲۱ صادره از شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان رباط کریم که مشعر بر محکومیت صادرکننده چک به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ صدور چک تا وصول آن بر مبنای جدول نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی است، می‌گوید: «... ضابطه مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در ماده واحده الحاقی (مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام) به ماده ۲ قانون صدور چک، افتراقی با ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی ندارد تا بگوییم یکی دیگری را تخصیص می‌زند یا دارای یک منشأ است. به طور خلاصه باید توضیح داد فرقی در تعیین تورم و شاخص میزان خسارت بین چک و سایر مطالبات دیگر وجود ندارد و تعارضی به نظر نمی‌رسد. جهت تعیین مقدار تورم، تاریخ مندرج در چک و در سایر مطالبات، ضابطه، تاریخ سررسید است؛ به بیان دیگر، در ماده واحده الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک نیز مانند ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، مبنای محاسبه و ضابطه مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، تاریخ سررسید دین یا چک بوده لکن ابتدای زمان استحقاق دریافت خسارت تأخیر تأدیه تاریخ مطالبه از سوی دائن است و راه قانونی برای مطالبه وجه چک مراجعه دارنده به بانک محال علیه و صدور گواهینامه عدم پرداخت بوده که مبنای استحقاق خسارت تأخیر تأدیه است نه تاریخ چک...» (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ج، صص ۴۲-۴۳). شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۰۵۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶، استدلال فوق را تکرار کرده است (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ت، ص ۴۵۵).

ب) شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز با اعتقاد به حاکمیت ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، در رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۰۹۷۷ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۷ بیان می‌دارد: «... در مورد مبدأ خسارت تأخیر تأدیه که در رأی تجدیدنظرخواسته (دادنامه شماره ۸۸ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۶ صادره از شعبه محترم ۳۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران)، سررسید چکها مقرر گردید با عنایت به ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و شرایط قانونی تأسیس مزبور استحقاق و این از تاریخ مطالبه بود لذا تاریخ مزبور به تاریخ مقرر در گواهینامه عدم پرداخت چکها اصلاح می‌گردد» (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ج، صص ۱۲۲-۱۲۳).

۲-۲) جمع دو راه حل فوق

برخی دادگاه‌ها در فرضی که گواهی عدم پرداخت پس از تاریخ سررسید مطالبه شود، موضوع را با استناد به قاعده اقدام و نیز حاکمیت ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م حل و فصل نموده‌اند؛ به عنوان مثال، شعبه ۳۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۱۰۹۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۵ اعلام داشته است: «... در مورد دعوی وکیل خواهان نسبت به خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک تا تاریخ صدور گواهی نامه عدم پرداخت (۱۳۹۰/۱۱/۵)، با عنایت به اینکه یکی از شروط اصلی خسارت تأخیر تأدیه وفق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، مطالبه دین از سوی دائن می‌باشد و خواهان از تاریخ سررسید چک تا تاریخ مراجعه به بانک، مطالبه‌ای نسبت به وجه چک نداشته و اقدام علیه خود نموده است؛ ضمن اینکه این اقدام خواهان عملاً به منزله اعطاء مهلت یا انصراف از مطالبه در مدت مذکور بوده است. بنابراین این قسمت از دعوی خواهان مردود بوده...» و خواهان را صرفاً مستحق دریافت خسارت از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت تا تاریخ تأدیه دانسته است (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ت، ص ۴۵۴).

۳) تاریخ مطالبه (حکومت ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م بر ماده ۲ ق.ص.چ)

این دیدگاه بر این باور است که اطلاق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، بر تبصره ماده ۲ قانون صدور چک حاکمیت دارد. پیش فرض‌های این رویکرد، آن است که اولاً، بین این دو ماده تعارض وجود دارد و ثانیاً، عام مؤخر می‌تواند خاص مقدم را تخصیص بزند.

شعبه ۴۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۴۶۰۰۱۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۷، ضمن نقض رأی بدوی به شماره ۹۲۰۸۶ مورخ ۹۲/۲/۲۲ صادره از شعبه ۱۱۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران، متضمن محکومیت خوانده به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول، می‌گوید: «... صرفاً تعیین موعد (سررسید چک) موجب استحقاق مطالبه خسارت تأخیر نمی‌باشد و مطالبه شرط عمده در موضوع است و اطلاق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی بر تبصره الحاقی ماده ۲ قانون صدور چک راجع به تعیین مبدأ محاسبه خسارت حکومت دارد لذا مطابق ماده ۳۵۸ قانون مذکور ضمن اصلاح تاریخ مبدأ و محاسبه تاریخ تقدیم دادخواست تا اجرای حکم و وصول

محکوم‌به، رأی را تأیید می‌نماید.^۱

۴) تاریخ مطالبه (چک‌های مشمول مرور زمان تجاری)

این دیدگاه قائل به این است که در صورتی که اقدام دارنده علیه خود منجر و منتج به سقوط وصف تجاری از چک شود، با توجه به زوال وصف تجاری چک و خروج آن از حاکمیت قانون تجارت و قانون صدور چک و تلقی چک در این حالت به عنوان سند عادی، موضوع مشمول ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی بوده و جهت توفیق در دعوای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، اثبات تمام شرایط این قانون از جمله مطالبه، ملائت خوانده و ... لازم و ضروری است و خسارت تأخیر تأدیه نیز از همین زمان مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

الف) نقطه نظر یاد شده، در رأی شماره ۷۸۴ - ۹۲/۸/۲۸ شعبه ۱۷۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران نیز آمده است. در این دعوا، دادخواستی به خواسته مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ناشی از صدور چهار فقره چک بلامحل به شماره‌های ۴۹۲۰۳۲ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۰، ۲۳۷۱۹۱ مورخ ۱۳۷۸/۱/۳۰، ۴۹۲۰۳۳ مورخ ۱۳۷۸/۲/۲۵ و ۱۱۴۱۶۵ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۷ تقدیم می‌گردد. دادگاه با اعلام این که «... خواهان پس از مدت مدیدی اقدام به مطالبه خسارت تأخیر تأدیه نموده است» از این رو، مبنای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه را تاریخ مطالبه آن، که همان تاریخ تقدیم دادخواست خواهد بود ملاک حقانیت خواهان تلقی می‌نماید. این دادگاه مستنداً به ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی با اعتقاد به این که «چک‌های صادره مشمول مرور زمان شده و به عنوان سند عادی غیر تجاری محسوب می‌گردند» حکم به محکومیت خوانده به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ تقدیم دادخواست صادر می‌نماید (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، چ، ص ۲۳۹). این رأی طی دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۱۶۹۹ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شده است.

ب) در این پرونده خواهان، دعوایی به خواسته مطالبه وجه دو فقره چک به شماره‌های

۱- دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۴۶۰۰۱۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۷.

۵۳۱۸۹۴ مورخ ۷۴/۲/۲۰ و ۵۳۱۸۹۵ مورخ ۷۴/۲/۲۰ و خسارت قانونی از جمله خسارت تأخیر تأدیه طرح می‌نماید. دعوا به شعبه ۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران، ارجاع می‌گردد. خواننده (صادرکننده چک) در دفاع اعلام می‌نماید که «خواهان، در همین رابطه دعوایی در شعبه ۴۷ دادگاه حقوقی تهران مطرح نموده که منتهی به صدور رأی گردیده و نهایتاً مطابق دادنامه شماره ۴۹۹ شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان تهران ... حکم قطعی قرار رد دعوی نسبت به دو فقره چک مستند این دعوی صادر شده است». شعبه فوق، طی دادنامه شماره ۹۶۴ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۱، با اعلام اینکه «... دفاع خواننده و مفاد دادنامه استنادی شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران صرفاً ناظر به موضوع گذشت و مرور زمان ناظر بر آن به عنوان سند تجاری با وصف قانونی است ...» می‌افزاید: «... اگرچه خواهان مستند به تبصره ماده ۲ قانون صدور چک نمی‌تواند خسارت تأخیر تأدیه را از سررسید چک‌ها مطالبه نماید، لیکن این امر مانع از استحقاق خواهان به استناد ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی نیست و توجهاً به متن دادنامه مورد استناد خواننده، تاریخ مطالبه وجه چک‌ها ۷۴/۲/۱۰ و ۷۴/۲/۲۰ می‌باشد. با این اوصاف و به استناد مواد ۱۹۸، ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خواننده به پرداخت... و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ۷۴/۲/۱۰ و ۷۴/۲/۲۰ (از زمان مطالبه دین = اقامه دعوی مطالبه وجه چک در شعبه ۴۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران) صادر می‌نماید» (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ت، ص ۳۶۷).

ج) در این دعوا، دارنده چکی که سررسید آن مربوط به سال ۱۳۵۹ بوده و در تاریخ ۱۳۹۱ منجر به صدور گواهی عدم پرداخت چک شده است، دادخواستی به خواسته مطالبه وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ چک تا زمان وصول آن را طرح می‌نماید. شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی تهران به موجب رأی شماره ۷۲۷ مورخ ۹۱/۸/۱۴، صادرکننده چک (خواننده) را به پرداخت اصل خواسته، هزینه دادرسی، حق الوکاله وکیل طبق تعرفه و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید هر یک از چک‌ها لغایت تاریخ وصول بر مبنای نرخ تورم اعلامی توسط بانک مرکزی محکوم می‌نماید. پس از تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه از دادنامه صدر الاشاره، شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با این استدلال دادنامه فوق را نقض می‌نماید: «... تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواه در آن قسمت که حکم بر محکومیت به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از

سررسید تا زمان تقدیم دادخواست صادر گردیده است، به دلایل ذیل موجه است؛ زیرا، ۱- ماده واحده اصلاحی قانون چک مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۷۶ در خصوص قابلیت مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ناظر به بعد از تصویب آن است و عطف به ماسبق نمی‌شود؛ قبل از تصویب قانون مزبور مطالبه خسارت تأخیر بر مبنای نظریه شورای نگهبان فاقد وجهت شرعی بود؛ ۲- تصویب قانون و آثار آن بر مبنای رفتار متعارف و معمول جامعه است؛ در مانحن‌فیه تأخیر در مطالبه و اقامه دعوی از سال ۵۹ به ۹۱ رفتاری غیر متعارف است؛ ۳- چنانچه از رفتار نامتعارف خواهان خسارتی به وی وارد گردد، بر حسب قاعده اقدام مأخوذ به رفتار خود خواهد بود؛ ۴- از سوی خواهان دلیلی موجه بر تأخیر در مطالبه وجه چک ارائه نگردیده است. نتیجتاً مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم بر نقض رأی بدوی و قرار رد دعوی (در قسمت مربوط به خسارت تأخیر تأدیه) صادر می‌نماید...» (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۲، پ، صص ۵۰-۵۱). رأی پیش‌گفته از سوی شعبه ۳۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شده است (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳، ث، ص ۳۶۸، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۳۰۰۴۹۶ مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۲).

۵) تاریخ تقدیم دادخواست

به موجب این دیدگاه، چنانچه دارنده چک پس از اخذ گواهینامه عدم پرداخت، در مدت معقولی نسبت به مطالبه وجه چک اقدام ننماید، خودداری از مطالبه (اقامه دعوی) در این مدت حاکی از انصراف از مطالبه وجه در مدت مذکور است؛ لذا برای این مدت، خسارت تأخیر تأدیه محاسبه نمی‌شود. رویکرد فوق بر این باور است که نه تنها تاریخ سررسید ملاک محاسبه خسارت تأخیر تأدیه وجه چک نیست بلکه این خسارت از تاریخ گواهی عدم پرداخت نیز محاسبه نمی‌گردد. ملاک زمانی احتساب خسارت تأخیر تأدیه چک، زمان اقامه دعوی و تقویم دادخواست است.

شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی تهران در دادنامه شماره ۱۰۸۳ مورخ ۸/۱۲/۸۹، صراحتاً اعلان می‌نماید که «... به نظر می‌رسد که پس از اخذ گواهینامه عدم پرداخت، خواهان تکلیف داشته است که در مدت معقولی نسبت به مطالبه وجه چک اقدام می‌کرد و خودداری از مطالبه (اقامه دعوی) در این مدت حاکی از منصرف بودن خواهان از مطالبه وجه در مدت مذکور بوده و خسارت تأخیر تأدیه صرفاً برای مدتی تعلق می‌گیرد که دین

مطالبه شده باشد؛ بنابه مراتب به موجب مستفاد از ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، نسبت به خواسته خواهان مبنی بر مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید تا تاریخ تقدیم دادخواست، رأی بر بی‌حقی خواهان صادر می‌شود...» (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۲، ب، ص ۱۱۶).

نکته قابل تأمل در این دیدگاه آن است که دادرس محترم، موضوع را تحت حاکمیت ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م و نه تبصره الحاقی به ماده ۲ ق.ص.چ. دانسته است. در تحلیل رأی یاد شده می‌توان اظهار داشت که رأی فوق، تبصره الحاقی به ماده ۲ ق.ص.چ. را تأسیسی مستقل از ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م ندانسته و شرایط مقرره اخیر را در خصوص خسارت تأخیر تأدیه چک مجری و معمول می‌داند. ذکر تاریخ چک، به عنوان مبنای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه نیز ناظر به مورد اعم و اغلب است که دارنده معمولاً با توجه به کارکرد تجاری چک، در زمان مقرر در آن نسبت به مطالبه و اخذ گواهی عدم پرداخت اقدام و در زمانی متعارف و معقول از تاریخ گواهی عدم پرداخت، دادخواست مربوطه را طرح می‌نماید.

نتیجه

با تدقیق و تعمق در مفاد تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک و ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و ملاحظه رویه قضایی، که به برخی از آرای مرتبط، در این مقاله اشاره شد، نتایج زیر قابل ذکر است:

(۱) رویه قضایی درباره نحوه ارتباط و نسبت میان دو مقرره یاد شده، تلقی و استنباط یکسانی ندارد. برخی قائل به عدم تعارض میان آنها هستند و اعتقاد دارند که از حیث محاسبه خسارت تأخیر تأدیه تفاوتی میان ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م و تبصره الحاقی به ماده ۲ ق.ص.چ وجود ندارد و در همه موارد، از جمله خسارت تأخیر تأدیه چک، تاریخ مطالبه ملاک و معیار است و آنچه در قانون صدور چک در خصوص محاسبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ چک آمده است ناظر بر موردی است که چک در تاریخ سررسید، مطالبه و در همان تاریخ گواهی عدم پرداخت اخذ می‌گردد؛ در غیر این صورت، ملاک همان تاریخ مطالبه (تاریخ اخذ گواهینامه عدم پرداخت) است.

(۲) برخی دادگاه‌ها قائل به تعارض میان دو ماده پیش‌گفته هستند. اکثریت این دسته، بر این نظرند که با وجود تقدم تاریخ تصویب قانون صدور چک بر قانون آیین دادرسی مدنی، (به علت خاص بودن قانون اول و عام بودن قانون دوم و با لحاظ اینکه عام مؤخر ناسخ خاص مقدم نیست، بلکه خاص منحصص عام است)، قانون صدور چک معیار محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بوده و از تاریخ چک، این خسارت قابل مطالبه است. اقلیت اعتقاد دارند که قانون آیین دادرسی مدنی حاکم بر قانون صدور چک بوده و بنابراین در خصوص مطالبه خسارت تأخیر تأدیه چک نیز، تاریخ مطالبه (تاریخ گواهینامه عدم پرداخت) ملاک است.

(۳) شماری از دادگاه‌ها فارغ از این که قانون آیین دادرسی مدنی را ملاک قرار دهند یا قانون صدور چک را، این‌گونه اظهارنظر کرده‌اند که اگر دارنده چک، پس از تاریخ مندرج در آن مبادرت به ارائه چک به بانک و تحصیل گواهی عدم پرداخت نماید، با توجه به قاعده اقدام، وی مستحق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت بوده و نمی‌تواند ادعای مطالبه از تاریخ چک را مطرح نماید. برخی دادگاه‌ها اعتقاد دارند که حتی اگر دارنده در مدت معقول و متعارفی پس از اخذ گواهی عدم

- پرداخت، دعوای مطالبه چک و خسارت تأخیر تأدیه را اقامه نکند قاعده اقدام مجدداً جاری شده و ملاک احتساب خسارت، تاریخ تقدیم دادخواست خواهد بود.
- (۴) در صورتی که چک مشمول مرور زمان تجاری شود، با توجه به سلب امتیازات تجاری آن، مقررات ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی بر دعوای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه حاکم است نه قانون صدور چک.
- (۵) به نظر نگارنده، با توجه به خاص بودن قانون صدور چک و التفات قانونگذار به حمایت حقوقی از دارنده آن، ملاک محاسبه خسارت تأخیر تأدیه، تاریخ سررسید است؛ اما در صورتی که میان این دو تاریخ (تاریخ سررسید و تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت آن) و حتی میان تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت و اقامه دعوا، مدّت قابل توجهی وجود داشته باشد که این استنباط عرفی را حاصل آورد که دارنده علیه خود اقدام کرده، وی مستحق دریافت این خسارت در فواصل زمانی یاد شده نیست.
- (۶) همچنین به نظر می‌رسد که چک‌های مشمول مرور زمان تجاری، از حیث احتساب خسارت تأخیر تأدیه، مشمول عمومات مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی بوده و در دعوای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، اثبات زمان مطالبه بر عهده دارنده است و از این زمان، خسارت تأخیر تأدیه لحاظ می‌گردد.

فهرست منابع

- ۱- پژوهشگاه قوه قضائیه (اداره انتشار رویه قضایی کشور)؛ مجموعه آرای قضایی دادگاه-های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی) شهریور ۹۱، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۹۲. (الف)
- ۲- پژوهشگاه قوه قضائیه (اداره انتشار رویه قضایی کشور)؛ مجموعه آرای قضایی دادگاه-های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی) مهر ۹۱، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۹۲. (ب)
- ۳- پژوهشگاه قوه قضائیه (اداره انتشار رویه قضایی کشور)؛ مجموعه آرای قضایی دادگاه-های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی) اسفند ۹۱، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۹۲. (پ)
- ۴- پژوهشگاه قوه قضائیه (اداره انتشار رویه قضایی کشور)؛ مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی) بهار ۹۲، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۹۳. (ت)
- ۵- پژوهشگاه قوه قضائیه (اداره انتشار رویه قضایی کشور)؛ مجموعه آرای قضایی دادگاه-های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی) تابستان ۹۲، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۹۳. (ث)
- ۶- پژوهشگاه قوه قضائیه (اداره انتشار رویه قضایی کشور)؛ مجموعه آرای قضایی دادگاه-های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی) پاییز ۹۲، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۹۳. (ج)
- ۷- پژوهشگاه قوه قضائیه (اداره انتشار رویه قضایی کشور)؛ مجموعه آرای قضایی دادگاه-های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی) زمستان ۹۲، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۹۳. (چ)
- ۸- پوراسماعیلی، علیرضا؛ مطالعه تطبیقی تأثیر تقصیر زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی در حقوق ایران و کامن‌لا، نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، دوره ۴، شماره ۷، زمستان ۱۳۹۲.
- ۹- شهری، غلامرضا؛ مجموعه نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه در مسائل مدنی، روزنامه رسمی، چاپ نخست، ۱۳۸۸.

- ۱۰- صقری، محمد؛ حقوق بازرگانی اسناد (چک، اسناد در وجه حامل و بروات بیگانه)، جلد دوم، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۴.
- ۱۱- کاویانی، کوروش؛ حقوق اسناد تجاری، انتشارات میزان، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۹۴.
- ۱۲- محمدی، محمدرضا؛ پرداخت خسارت تأخیر تأدیه چک و تأثیر آن در دعوی کیفری چک پرداخت نشدنی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۰، زمستان ۱۳۹۱.

قضاوت

The Beginning Date of Calculation of Delayed Payment Penalty of Checque

Mahdi Fattahi*

Received:2/2/2016

Accepted:18/5/2016

Abstract:

There are different standpoints about method of calculation of delayed payment penalty of checque. This is because of governing and applying different laws in this field. According to article 2 of checque insurance Act, date of checque is the beginning of calculation but article 522 of Civil Procedure Act provides for that for calculation of this loss, date of demanding is of significance. Regarding this conflict, some courts decide that date of payment (mentioned in checque insurance Act) is the very usual. Some courts believe that the date of notice of non- payment is relevant. In some judicial decisions, the date of bringing an action is the criterion. In relation to the statute of limitation about checques, another precedent governs.

Key words: *delayed payment penalty of checque, date of checque, date of demand, date of notice of non- payment, precedent.*

*Ph.d in Private Law of Tehran University and researcher at the institute of Judiciary.

mfatahi1@gmail.com